



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۶/۰۹/۱۸



حمید انوری

"یا سخن دانسته گو ای مرد دانا، یا خموش"

آنکه دهن می گشاید و سخن همی میگوید، باید همی داند چه می گوید و چه باید گوید، تا بعدترک بتواند از آنچه گفته است دفاع کند و استدلال منطقی جهت اثبات سخنان خود ارائه همی نماید، ورنه آنچه همی گفته است ارزش دو توت یا پر کاهی را نخواهد داشتی و هیچ کسی او را جدی نگرفتی و بهتر همان خواهد بودی تا لب فروبستی و خموشی اختیار همی کردی. "مشت پوشیده، هزار دینار"

یکی از افرادی که هر گاه و ناگاهی دهان همی گشودی و چرند پراگنی همی کردی، فردی بودی که "حامد" او را نام بودی و "کرزی" تخلص همی کردی و زمانی گویا "رئیس جمهور" کشوری بنام "افغانستان" بودی، یا بهتر گفתי، او را از آنسوی ابحار "رئیس جمهور" آن ناکجا آباد منتصب همی کردند.

این "حامد خان کرزی" که کشور را برباد دادی و یک مشت دزد و غارت گر و جانی و قاتل و متجاوز و جنگ طلب و جنگ گره را با هزار عیب و علت دیگر شان بر سرنوشت یک کشور جنگ زده و به غارت برده شده و ویران، حاکم همی ساختی و چنان آن ویرانه سرا را تقسیم و ترکه همی کردی که تو گوئی مال بی صاحب و میراث پدری همان یک مشت افراد شرور و خائن و دزد و رهن بودی. او هرازگاهی و هر شام و پگاهی سر از یک غاری بدر کردی و چند جفنگ همی پراگندی و دوباره به همان غار فرو همی رفتی و با یاران غار که هم بیکار بودندی و هم بیمار، به خورد و خواب همی پرداختی و تا فرصت دیگر و گفتن چند چرند دیگر، مشغول توطئه گری و نفاق پراگنی و دید و وادید با این جنگ سالار و آن روانی بیمار و چند فرار کرده از سر دار و یک مشت بلی قربان گوی بی عار همی شدی و در فکر خام خود زمینه چینی برای برگشت دوباره به قدرت همی بودی و فیل او یاد هندوستان همی کردی.

این "حامد خان کرزی" در تازه ترین جفنگ پراگنی های خود برای بادر و ارباب خود چنگ و دندان نشان همی دادی و فکر همی کردی کشوری داشتی "مستقل"!!!

چرندیات این دست نشاندۀ امریکا را که روزی روزگاری او را از کوهپایه های ارزگان و از چنگ طالبان مسلح در ربودی و بر تخت کابل همی نشاندی، باهم مرور میکنیم:

انتقاد حامد کرزی از عملکرد امریکا در نبرد افغانستان

آریانا نیوز - ۲۰۱۶/۱۶/۹

حامد کرزی پس از ختم دوره کاری اش هر چند گاهی از طریق رسانه ها حضور سیاسی اش را نمایش می دهد، این بار در مصاحبه با خبرگزاری رویترز آنچه از بی صلاحیت بودن رهبران حکومت وحدت ملی در قبال عملکرد های امریکا در قلمرو افغانستان خوانده است، شکایت می کند.

"حامد خان" بگذار این گونه شکایت ها را کسی بکند که مقامی داشته باشد و فردی اینگونه شکایت ها را مطرح بکند که در دوره زمامداری خود از ذره صلاحیت برخوردار بوده باشد. مردم افغانستان از موش و پشک بازی های گاه و ناگاه شما با اربابان غربی و امریکائی تان بخوبی آگاه هستند. فکر نکنید که هرگز آن موش و پشک بازی ها را جدی گرفته باشند.

وی می گوید: "چگونه رئیس جمهور امریکا برای سربازانش دستور عملیات نظامی را در قلمرو افغانستان در

هر زمانی صادر می کند؟



کاش این سوال را زمانی مطرح میکردی که رفیق شفیق تو "بوش چوچه"، همان جنایتکار مشهور که افغانستان و عراق را به خاک و خون کشید و از کشته های افغانها و عراقی ها پشته ها ساخت و به دستور همان "بوش چوچه" کماندوهای امریکائی ترا

از کوه های ارزگان از چنگ طالبان بدرآوردند و بر تخت کابل بنشاندند. کاش همان زمان از نصب شدن خود بر تخت کابل خودداری میکردی، که نکردی و این ذلت را با پیشانی باز و به صد ناز قبول کردی. یک نگاهی ببینداز به این عکس یادگاری و این ننگ تاریخی و بگذر از این لقمه های پنج سیری.

آیا ما اینجا حکومت مستقل نداریم؟ آیا ما کشور مستقل نیستیم؟

من دانسته نشدم که این "آیا" در این پرسش بی معنی یعنی چه؟

"حامد خان" هنوز نمی داند که افغانستان دارای یک حکومت مستقل نیست و نبوده است. چگونه می شود با حضورداشت نظامی بیشتر از چهل کشور جهان در یک مملکت، آن کشور می تواند مستقل باشد؟ خدمت "حامد خان" عرض شود که نه شرکت سهامی آن جناب مستقل بود و نه هم این حکومت منتصب دوسره هرگز می تواند مستقل باشد. کاش "حامد خان" بجای اینهمه سفسطه پراگنی و چرند گوئی، کمی تاریخ مطالعه کند.

آیا اوباما رئیس جمهور افغانستان است یا ما هستیم؟ مه باور دارم هر زمانی که صلاحیت ها برای افغانستان محول شود همه چیز در مسیر درست حرکت خواهد کرد."

در اینجا منظور "حامد خان" از "ما هستیم" فهمیده نشد، آیا او هنوز هم خود را رئیس جمهور افغانستان میداند؟ اگر منظور از "ما" خودش و عبدالله و غنی است، از داد و معامله های پس پرده ما هنوز خبر نداریم، اما اگر منظور او از "ما"، مردم است، عقل قاصر او گویا قد نمی دهد که مردم نمی توانند همه رئیس جمهور باشند، بلکه یک فرد این مسؤولیت عظیم را عهده دار می شود.

صلاحیت ها که برای "افغانستان" سپرده شود، (البته منظور کرزی از "افغانستان"، همان یک مشت دزد و جنایتکار جنگی و خائن و رهنی خواهد بود که شریک جرم و جنایت شان اند)، چنان چوری براه اندازند که

افغانستان را در یک لحظه به گرد ای مبدل کنند. هنوز صلاحیت ها داه نشده که هر کس و ناکسی دعوای ریاست جمهوری دارد و هیچ فردی در کمتر از مارشالی قناعت ندارد و....

آقای کرزی همچنان می افزاید، حکومت افغانستان و طالبان مسلح باید از تحت تاثیر کشورهای بیرونی خارج شوند.

پناه بر خدا!!! کرزی هم به نعل میزند و هم به میخ. او اما هنوز نمی داند که یک حکومت زمانی میتواند"از تحت تاثیر کشور های بیرونی" خارج گردد که از هرگاه خود کفا باشد و افغانستان دربند کشیده شده از خیرات رهنمائی های داعیانه او از این مأمول فرسخ ها فاصله دارد.

وی رابطه واشنگتن و کابل را در این مصاحبه با الفاظ شدید انتقاد می کند.

"من خلاف حضور امریکا در افغانستان نیستم، اما این حضور نباید مانند بادار ونوکر باشد، باید روابط بر بنیاد همکاری مشترک باشد، امریکا نباید برای ما حاکمیت تعیین کند، ما باید مستقل باشیم، ما باید مالک این خانه باشیم و ایالات متحده مانند یک مهمان نزد ما باقی بماند".

چرا "حامد خان" خلاف حضور امریکا نیست؟

پاسخ روشن است در نبود قوای نظامی امریکا و ناتو در افغانستان، مردم چنان دمارى از روزگار این افراد فاسد و خونریز و تاراجگر و... بدر آورند که تاریخ هرگز ثبت نکرده باشد و"حامد خان کرزی" هم از این قاعده مستثنی بوده نمی تواند. نه این قصر و نوکر و چاکر می ماند و نه این درجن درجن بادیکارد های مسلح و نه هم این قطار موتر های ضد گلوله و نه هم سفر های بی حد و مرز خارجی از کیسه ملت!!!

کاش"حامد خان" در هنگامیکه قانون تخصیصیه های میلیارد دالری را برای خود و فامیل و خانواده و اطرافیان و شرکای جرم خود بصورت مدام العمر تصویب و توشیح میکرد، کمی هم به این می اندیشید که اینهمه پول و سرمایه از کجا می آید، آنگاه شاید درک میکرد که مهمان هرگز خرج و خوراک و کرایه خانه و پول برق و جیب خرج صاحب خانه را نمی پردازد!

از طرف دیگر امریکا چه مجبوریت دارد تا با مصارف گزاف و کمر شکن مانند"مهمان" در افغانستان باقی بماند و "حامد خان" و امثال او به بیلینر های منطقه مبدل گردند. مقامات هر کشوری در جست و جوی تأمین منافع کشور خود هستند، مگر "مقامات" افغان فقط در غم جیب خود و اطرافیان خود اند.

رئیس جمهور پیشین خطاب برای رهبران حکومت وحدت ملی گفته است، هیچ کسی این ها را نمی گوید که از حکومت بیرون شوند، باید حکومت وحدت ملی دوره ۵ ساله خود را تکمیل کند، اما تاکید می کند که اگر بحرانی به وجود آید، لویه جرگه می تواند برای سرنوشت کشور اثر گذار باشد.

اینجا دیگر"حامد خان" واقعاً از حد خود تجاوز میکند و از گلیم خود پا را فراتر می نهد و فکر میکند از تمام مردم افغانستان نمایندگی میکند. بیشتر از هشتاد فیصد مردم افغانستان از این حکومت دوسره که یکی زیر میگوید و یکی بم چنان خسته شده اند که روزشماری دارند چه وقت و زمانی این تحفه"کری" سرنگون می شود.

"حامدکرزی" چه فکر میکند که کی و یا کیها به او این صلاحیت را ارزانی داشته اند تا "باید" و "نباید" ها را تعیین کند؟!

و اما و مگر حرف آخر هم اینکه "حامد کرزی" به چه زودی فراموش کرده است و یا هم خود را به کوچه حسن چپ میزنند که "لویه جرگه مشورتی" را چگونه با مصارف سرسام آور به راه انداخت، تصامیم مهم حیاتی در آن مطرح گردید و آنچه همان "لویه جرگه" فیصله کرد، یک فرد که آنهم جناب "حامد کرزی" بود، چگونه فیصله همان "لویه جرگه مشورتی" را زیر پا کرد و به ریش همه شان خندید.

ماهیت و صلاحیت و قانونیت اینگونه "لویه جرگه" ها در همین حد و حدود است و نظر به شرایط و مقدار تحفه و وعده و وعید، فیصله صادر میگردد. با هزاران درد و دریغ که افغانستان کنونی از براه انداختن "لویه جرگه" ای واقعی چنان دور است که زمین از آفتاب.

یک یادآوری کوچک را حیف است که برای "حامد خان کرزی" تذکر نداده بگذریم و آنهم اینکه به یاد بیاورند رفیق شفیق و یار گرمابه و گلستان خود "احمدی نژاد" ایرانی را که بعد از به سر رسیدن دو دور ریاست جمهوری، وظیفه خود را پایان یافته دانسته و به زندگی شخصی خود برگشت؛ البته این قضیه میتواند دو علت داشته باشد، یکی اینکه حکومت جمهوری اسلامی ایران برای او اجازه هیچگونه مداخله در امور کشور داری را بعد از دوران ریاست جمهوری نمی دهد و دیگر اینکه او خود، حد خود را می داند.

در کشور دربند کشیده شده ما اما هر دو منتفی است. نه حکومت صلاحیت و قدرت اینکار را دارد و نه هم "حامد خان" حد و حدود خود را می شناسد.

"حافظ شیرازی" اندر این مورد چه خوش گفته است:

در بساط نکته دانان خود فروشی شرط نیست
یا سخن دانسته گو ای مرد دانا یا خموش